

قوای مسلح از لشکر کشی شوروی تا یورش نظامیان آمریکا

تحقیق و پژوهش از استاد (صبح)

(به بهانه سالروز شش جدی و حضور اردوی سرخ در افغانستان)



بهر بر و بوم و فرزند خویش
زن و کودک و خرد و پیوند خویش
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم. (فردوسی)

آزادگی، مقاومت و وطنخواهی، مردانگی و شجاعت در نسل جوان به وسیله ی شخصیت‌های برانگیخته خواهد شد که خود بتوانند در روزهای سخت، مظهر میهن پرستی، آزادمندی، سر سیردگی و متانت و پایداری باشند و این فداکاری، دلیری، پایداری و مقاومت، ناگهان به وجود نخواهد آمد بلکه از هم اکنون باید خطرات آینده را که امروز با هزار زبان با ما سخن می گویند، لمس کنیم و در برابر آن صف آهنینی از نیروی صادق و وطنپرست نسل جوان پدید آوریم.

تاریخ جنگ تاریخ حیات بشر است یا تاریخ پیدایش جنگها با تاریخ انسان در روی زمین همخوانی دارد، حسد و کینه و خود خواهی، راز و سرچشمه کلیه جنگها در طول تاریخ می‌باشد. به نظر می رسد همین قدامت و همزادی جنگها با انسانها به رغم لطمه ها و صدمه های شدیدی که بر حیات انسان وارد می‌سازد مانع از بررسی موشکافانه و توقف جنگها می گردد. همچنان جنگ خسارتهای فوق العاده ای به نیروهای انسانی و امکانات مادی بشر می زند و نه تنها نیروهای انسانی را از بین می‌برد، بلکه آسیبهای روحی و روانی شدیدی هم بر آنان وارد می سازد. بنابر این بسیاری از بیماریهای لاعلاج و طولانی مدت، معلولیتها، اضطراب، نگرانی، و درد و رنجهای از بقایا و آثار تخریبی جنگهاست.

زمانی که حکومت‌های پراکنده ملوک الطوایفی و امپراتوری‌های بزرگ جای خود را به دولت‌های ملی دادند و این دولت‌های ملی به صورت واحد اصلی مناسبات بین‌المللی در آمدند، اصطلاح امنیت بر سر زبان دولتمردان و رهبران نظامی افتاد. مفهوم امنیت هم‌زاد جوامع انسانی کوچک و بزرگ بوده است. طبعاً امنیت ملی مفهوم جدیدی است که با پیدایش پدیده دولت‌های ملی در دوران معاصر پدیدار شده است. جستجوی امنیت از مهمترین کوششها و انگیزه‌های انسانی است. این کوشش با جوهر هستی انسان پیوندی ناگسستنی دارد. حفظ ذات و صیانت نفس از اساسی‌ترین میله‌های انسان است. انسانها در پی برآوردن نیازهای زیستی با یکدیگر وارد مناسبات گوناگون شده و تشکیل جامعه می‌دهند. مهمترین نیاز هر جامعه، خواه یک طایفه یا قبیله و یا یک قوم یا کشور باشد، تامین امنیت آن جامعه و افراد آن است. همچنان امنیت عبارت است از توانایی یک کشور در دفع تهدیدهای خارجی علیه حیات سیاسی یا منافع ملی خود. یکی از نخستین کسانی که امنیت ملی را تعریف کرده است، والتر لیبمن نویسنده و محقق امریکایی است. او می‌گوید: یک ملت وقتی دارای امنیت است که در صورت اجتناب از جنگ بتواند ارزشهای اساسی خود را حفظ کند و در صورت اقدام به جنگ بتواند آن را پیش ببرد. امنیت ملی در یک کشور وسیله نیروهای نظامی تامین میشود.

نیروهای نظامی یا اردوی ملی از همان ابتدای حیات اجتماعی انسان همواره بوده و هستند. نیروهای نظامی هر جامعه ابزار و اهرمی بسیار قوی و مطمئن برای برقراری روابط با دیگر جوامع محسوب می‌شوند. از وظایف اصلی و اساسی نیروهای نظامی حفظ و حراست از تمامیت ارضی و استقلال ملی است و به این منظور باید با دشمنان خارجی مبارزه کند و آنها را از دست یازیدن به خاک کشور باز دارد. همان طور که جنگ و سیاست آنچنان به هم پیوند خورده‌اند که در واقع دو روی یک سکه‌اند. نیروهای نظامی و سیاستمداران نیز همکاران یکدیگر محسوب می‌شوند، به نحوی که در صورت عدم موفقیت یکی از آنان در ایجاد تعادل در روابط بین‌المللی با همسایگان و کشورهای دیگر، نیروهای هم‌زاد وی وارد عمل می‌شوند. همچنان دارا بودن تسلیحات نظامی بطور انحصاری در اختیار نیروهای نظامی است و نهاد دیگری نمی‌تواند دارای این مالکیت باشد. اردو یقیناً یکی از مهمترین ارکان اقتدار یک ملت است.

نیروی دفاعی یک کشور که توانا بودن یک ملت را حکایت نموده و به نیروی دیگری اجازه نمی‌دهد که فکر تجاوز به تمامیت ارضی، استقلال سیاسی و حاکمیت ملی یک کشور نماید. این وظیفه حاکمیت ملی است که برای تضمین بقای خویش و زندگی صلح آمیز مردم باید نیروی مسلح تشکیل داده و برای اقتدار، توانمندی و بالندگی آن از هیچ‌گونه سعی و کوشش خودداری ننماید. اردوی توانمند، نیرویی است که پیش از همه بر یک انضباط، قواعد و حس وطنپرستی استوار پایبند باشد اردوی که به خوبی تجهیز شده باشد چه از لحاظ ابزار و ادوات و چه از لحاظ روانی، تامین کننده منافع ملی و حاکمیت مردمی و استقلال سیاسی است. پاسداری، دلیری و شجاعت اردوی ملی بسته به تجهیز روانی آن می‌باشد، شجاعت فردی نمی‌تواند اردو را به نیرویی توانمند مبدل سازد بلکه شجاعت تفکر و آرمان است که موجب نیروی مندی نیروهای مسلح می‌شود. اردوی که تصور پیروزی را با خود همراه داشته و بدان ایمان پیدا کند موفقیت و سربلندی آن را تضمین مینماید.

جهان امروز عرصه ی جنگ هاست. چه جنگ سرد و چه جنگ گرم، جنگ‌هایی که عموماً برای پایان دادن به جنگ‌های دیگر شکل می‌گیرند. یکی از ارکانی که نیرومندی و اقتدار یک ملت را موجب میشود، اردوی منظم و با ایمان است. حکومت‌های ملی و مردمی به هیچ‌عنوانی تصمیم به مداخله، لشکرکشی، جنگ افروزی، توسعه طلبی و قصد آسیب رساندن به دیگر کشورها راندارند ولی منافع ملت خویش را در برابر متجاوزین، عظمت طلبان و خون آشامان مقدم می‌داند و برای شکوهمند شدن هرچه بیشتر میهن و ملت خویش می‌کوشد. اردوی ملی نیز در خدمت حاکمیت مردمی و منافع ملی است و در موقعی صلح به نیروی سازنده و در هنگام نبرد به سپر مطمئن ملی مبدل میشوند.

تلاش در توانمندی نیروهای مسلح وظیفه است سترگ و اقدام است بزرگ، امروز ثابت شده است که نیروی منسجم با انضباط و اما کوچک، حرفه ای و آموزش دیده از تعداد بی شمار سربازان که در میدان تعلیم عرق نمیرزند به مراتبها موثر و موفق بوده اند. جمله معروفی است که میگویند: (کسانیکه در میدان تعلیم و تربیه عرق نمیرزند در میدان محاربه خون میریزند). به خصوص آنکه امروز شیوه جنگها تغییر کرده و تعداد بیشمار افراد عامل موثری در برتری نظامی نیست.

فردوسی: سیاهی لشکر نیا ید به کار

دو صد مرد جنگی به از صد هزار.

در شرایط حساس کنونی ملت ما نیازمند اردوی است که از هر لحاظ توان دفاع از کشور را داشته باشد، اردوی متشکل از نیروهایی شجاع با تفکر و نیرومند که به خوبی از هر لحاظ بویژه روانی تجهیز شده باشند. کشورها ی مختلفی که امروز در افغانستان فرمان میرانند، بخاطر منافع استعماری اش نمیخواهند نیروهای مسلح ما قوی و توانمند شوند زیرا با قدرت گرفتن اردوی ملی دلیلی برای حضور نیروهای خارجی باقی نمی ماند. برای اینکه حضور خود را در سرزمین درد رسیده ما تداوم ببخشند، میخواهند تا افغانستان دارای نیروی امنیتی خودکفا و قادر به تأمین امنیت نباشد و به همین دلیل این کشورها تاکنون در بخش آموزش و خودکفاساختن نیروهای امنیتی، تلاش و انگیزه ای نداشته اند.

بخاطر روشن شدن حقایق و واقعیتها ناگزیر می شویم تا صنوف مختلف اردوی ملی را مورد بررسی کوتاه و تند قرار بدهیم.

سر نوشت غم انگیز نیروهای پیاده



بعضی از کشورها افراد را که به سن هجده سالگی می رسند به خدمت قوای مسلح فرامیخواند و در برخی دیگر از کشورها این اجبار برای زنان نیز وجود دارد. در تعداد دیگر از کشورها خدمت سربازی اجباری نیست و جوانان می توانند به صورت داوطلبانه به استخدام قوای مسلح کشورشان در آیند. از میان یکصد و نود و هفت کشور جهان یکصد و نو کشور سربازی را حذف کرده و قوای مسلح حرفه ای دارند. بیست و نو کشور خدمت عسکری کمتر از یک سال دارند. ده کشور نیروی انتخابی دارند. پانزده کشور از ترکیب سربازان داوطلب و اجباری استفاده می کنند. کشورهای عراق، عربستان، عمان، قطر، امارات متحده، پاکستان و بحرین خدمت عسکری اجباری را لغو کرده اند. هر کشوری برای دفاع از حاکمیت ملی و تمامیت ارضی خود به نیروی مسلح ضرورت دارد.

برای افغانستان چه فرق میکند که متجاوزکیست و از کجا آمده و چه میخواهد، هر کشوری که بر مردم ما ظلم و ستم رود و استقلال ملی و تمامیت ارضی و آزادگی ما را زیر سوال ببرد، متجاوز است. چه آن کشور از شرق باشد و چه از غرب چه مسلمان باشد و چه غیر مسلمان.

قوای مسلح در زمان حضور نیروهای شوروی

از صفحات تاریخ نظامی کشور چین استنباط میشود که اولین هسته های اردوی منظم ملی در زمان امیر شیر عیلیخان ریخته میشود و با انقلاب هفت ثور و بخصوص بعد از حضور نیروهای اتحاد شوروی در افغانستان، قوای مسلح به یک قوای ملی و منظم تبدیل شد در زمان حاکمیت (ببرک کارمل) سطح کمیت و کیفیت این نیروها ارتقای قابل ملاحظه پیدا نمود و تعداد قوای مسلح تا نیم میلیون نفر رسید و اگر نیروهای دفاع خودی و سپاهیان انقلاب را درین جمع به محاسبه بگیریم، افغانستان تا شش صد هزار نیروی مسلح داشت. این نیرو با یورش تنظیم ها و سقوط حاکمیت داکتر نجیب الله تار و مار گردید و همه چیز کشور به شمول تجهیزات قوای مسلح هم از سلاح و مهمات و وسایل نقلیه و بارک های نظامی مورد چور و چپاول قرار گرفت.

بعد از تحول شش جدی سال ۱۳۵۸ و بعد از حضور اردوی شوروی در افغانستان، شخص رییس جمهور، صدراعظم و وزارت های دفاع، داخله و امنیت دولتی تمام توجه خویش را معطوف اکمال و تجهیزات قوای مسلح نمودند. «ببرک کارمل» در اولین سفرش به اتحاد شوروی روی تعلیم و تربیه و تجهیزات قوای مسلح صحبت نمود و رهبری شوروی را معتقد ساخت که یگانه ضرورت مبرم دولت کنونی اکمالات قوای مسلح کشور است.

پس ازین سفر بود که رهبری شوروی بزرگترین مراکز آموزشی قوای مسلح خویش را در روسیه، بلاروس، اکراین، قزاقستان، قرغیزستان، آذربایجان، ازبکستان و... برای تعلیم و تربیه نیروهای مسلح افغانستان با مجرب ترین استادان و مربیان در خدمت افغانستان گذاشت. هزاران جوان غرض فراگیری آموزشهای مسلکی و روانی به این مراکز اعزام و بعد از فراگیری های لازم در خدمت قوای مسلح درآمدند. از جانب دیگر در اثر پافشاری دولت افغانستان - رهبری شوروی جدید ترین ساز و برگ های پیشرفته نظامی و تکنالوژی حربی را سخاوتمندانه در دسترس قوای مسلح افغانستان قرار داد.

در داخل کشور نیز مشاورین و کارشناسان نظامی شوروی با تلاشهای شبانروزی در آموزش نیروهای مسلح سعی و تلاش فراوانی نمودند. دولت با ایجاد قول اردوها، فرقه ها، لوا ها و غندهای جدید به نیروهای مسلح جان تازه بخشید و عملا ارگانهای سه گانه قوای مسلح بطرف خودکفایی گام گذاشتند. بعد از سال ۱۳۵۸ یک رقابت جدی بخاطر اکمال و تجهیز نیروهای مسلح بین ارگانهای نظامی جریان داشت و هر ارگان تلاش مینمود تا به شکلی از اشکال مشاورین و کارشناسان شوروی را بخاطر اکمالات نیروها تشویق و ترغیب نمایند. در بنادر مهم کشور هر اداره از خود بیز اکمالاتی و جزواتهای ترانسپورتی داشتند تا در اکمال و خودکفایی نظامی از دیگری سبقت بگیرند.

درین مقطع تاریخی، قوای مسلح مالک مدرن ترین تجهیزات مخابراتی، نفربرهای نظامی، وسایط نقلیه، زره پوشهای ۶۰ پی پی و ۷۰ پی پی و ۸۰ پی پی، تانکهای پیشرفته تی ۵۵ و تی ۶۲ و حتا تی ۶۴، سلاحهای مکاروف، کله شینکوف، کله کوف، آر.پی. ج هفت، زیو، توپهای سبک و سنگین، راکتهای مختلف هم از بیم ۲۱، اوراگان، لونا و اسکاد، توپهای مختلف چون-۷۶ صحرا، دیسی و غیره شدند. تشکیلات نیروهای مسلح وسعت داده شد و نیروهای پیاده نظام با جدید ترین اسلحه، وسایط و وسایل نظامی مجهز شدند.

قوای مسلح در تلاشهای متمر و هدفمند، مقتدر ترین، پاک نفس ترین، با تجربه ترین و با فهم ترین جزالان و کارشناسان نظامی را در آغوش خویش پروراندید و تحویل ارگانهای نظامی داد.

در تشکیلات نیروهای مسلح قوای سرحدی، هوایی و مدافع هوایی، ادارات نیرومند اطلاعاتی، قوای وزارت داخله (پولیس) توپچی، راکتی، گارد ملی، قطعات داوطلب محلی و راهیان انقلاب (سپاهیان انقلاب) عرض اندام نمود و در صفوف قوای مسلح آماده خدمت شدند.

از جانب دیگر نیروهای مسلح شوروی مستقر در افغانستان بخاطر زیر فشار قرار نگرفتن دولت، برنامه های خدمات اجتماعی را در کشور روی دست گرفتند و با توزیع مواد امدادی و خدمات صحتی مجانی به مردم پیشگام شدند. و این نیروها تلاش کردند تا اکمالات خویش را از شوروی انجام دهند تا باعث بلند رفتن قیمتها در افغانستان نشوند. از اواخر ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۶۶ با گذشت هر روز قیمت‌های مواد اولیه رو به کاهش بود و در شهرها - مردم از زندگی بهتری برخوردار بودند.

نیروهای مسلح در موجودیت آمریکا

بعد از لشکر کشی ایالات متحده آمریکا به افغانستان که هشت سال سپری میشود و ملیاردها دالر حیف و میل فرماندهان نظامی پنتاگون و ناتو و مسوولین نظامی و دولتی افغانستان گردیده و تا اکنون کشور از نیروی مسلح کارآمد و دلسوز برخوردار نیست. رهبری ارگانهای نظامی و بخصوص و وزیر دفاع رحیم وردگ (که به هیچ صورت شایستگی وزارت دفاع را ندارد) مصروف چور و چپاول دارایی عامه و بودجه نیروهای مسلح اند، کوچکترین توجهی به نیرومندی و خودکفایی قوای مسلح ندارند.

سوال اساسی اینست که چرا در هر کابینه با وجود بی کفایتی و روزگزرانی وردگ به عنوان وزیر دفاع معرفی و از جانب پارلمان نام نهاد که هیچکدام این نمایندگان - نماینده حقیقی ملت ستمدیده افغانستان نیستند و به اساس زد و بندهای حزبی، تنظیمی و مصلحتی و به اشاره خارجیها به پارلمان راه یافته اند، شاید در تاریخ افغانستان پارلمان کنونی یکی از فاسدترین بی ارزشترین و بی اعتمادترین پارلمان باشد. رای اعتماد میگیرد و به کرسی باد آورده وزارت دفاع تکیه زده و با گذشت هر روز بر و گز کشیده و هر روز شکمش برجسته و کمرش با کمر بندش سر ناسازگاری دارد.

معقولترین جوابی که میتوانیم به این سوال بدهیم این خواهد بود که در زیر کاسه نیم کاسه بی وجود دارد. غریبها به هیچ صورت تصمیم خروج از افغانستان را ندارند و تحت بهانه های عدم خودکفایی امنیتی و تکمیل اردوی ملی چند دهه را در این کشور جنگ زده بگذرانند و تا به هدف ستراتیژیک خویش نایل شوند. میگویند: (استعمار همیشه در کشورهای تحت مستعمره اش افراد ضعیف، ناکارآمد، اجیر، وابسته و نوکرسفت را به خدمت میگیرد و استخدام مینمایند.) از طرف دیگر اگر افغانستان نیروی پر قدرت نظامی داشته باشد، ابتکار عمل را بدست گرفته، میتواند مستقلانه با مخالفین در مورد جنگ و صلح تصمیم بگیرند. و این ابتکار عمل خیلی چیزهای محرم و عقب پرده را افشاء و از زد و بند خارجیها با مخالفین پرده برداری خواهد شد.

آیا در افغانستان چهره خوشنام، خدمتگار، دلسوز و متخصص در امور نظامی وجود ندارد که رحیم وردگ بر وزارت دفاع فرمان میراند؟ دهها و صدها شخصیت‌های نظامی، انسانهای وطنپرست، مسلکی در امور نظامی (ارکانحرب) و دلسوز وجود دارد، اما متأسفانه وابستگی استخباراتی با کشورهای دور و نزدیک نداشته و مورد تایید و حمایت سازمانهای جاسوسی خارجی نیستند.

کسی نیست که از رییس جمهور کرزی و بخصوص رحیم وردگ بپرسد- که طی این هشت سال چه دست آوردی در وزارت دفاع ملی دارید؟ و طی این مدت نتوانسته اید قوای مسلح را اکمال و تجهیز نمایید، در صورتیکه هزاران جنرال، دگروال، دگرمن، جگرن، بریدمن و بریدگی های تعلیم یافته و با تجربه جبراً از جانب وزارت دفاع به تقاعد سوق گردیده اند و هر روز دست به مظاهره و تجمع میزنند تا حقوق داد خواهانه شان بگوش مقامات ارگ ریاست جمهوری و مسوولین وزارت دفاع برسد که نمیرسد.

با گذشت هر روز ساحه حاکمیت دولت محدود و حلقه محاصره شهرها تنگ تر و مخالفین از مدافعه به تعرض روی می آورند. اگر در هر کشوری دیگری باشد، چنین حوادثی به مفهوم ناتوانی نظامی و

ناکارایی مسوولین بلند پایه ارگانهای قوای مسلح تعبیر شده و رییس جمهور و پارلمان دست به کار شده و مقامات نظامی را مورد تنبیه و سرزنش قرار داده و به محاکم و دادگاه میکشاند. اما با اندوه و درد در وطن ما، رییس جمهور و پارلمان نه تنها مقامات ارگانهای قوای مسلح را مجازات نمی نمایند، بلکه مکافات و مورد لطف و شفقت و نوازش نیز قرار میدهند.

ارد میگوید: کارمندان نابکار، از دزدان و آشوبگران بیشتر به کشور آسیب می رسانند.

در حوادث تجلیل از هشت ثور در چمن حضوری همه شاهد بودیم که رییس جمهور، وزیر دفاع با سینه پر از مدال و نشان، وزیر داخله و رییس عمومی امنیت ملی راه گریز مییابید و در یک چشم برهم زدن مردانه فرار نموده و نیروهای آماده رژه نظامی را در جزیره قتل و کشتار رها نمودند و قوت ها بدون سوق اداره به هرسو میدویدند تا پناهگاهی بیابند. اینست شهکار سترجنرال رحیم وردگ وزیر دفاع دولت افغانستان.

امروز پرسونل قوای مسلح بجز از چند عراده موتر فورد آمریکایی چه دارند تا به درجه خودکفایی امنیتی برسند؟ قوای مسلح متأسفانه طی این هشت سال نتوانست از سخاوت های پنتاگون مستفید شده و مالک تانک، توپ، راکت، سلاح و وسایط ثقلیه و خفیفه شوند. وزارت داخله و ریاست عمومی امنیت ملی نیز وضعیت به مراتبها غم انگیزتر نسبت به وزارت دفاع دارند.

در گوشه و کنار وطن روزانه دهها نیروی قوای مسلح کشته و زخمی میشوند و اما کسی نیست که مسوولین را مورد بازپرس و سرزنش قرار بدهد.

از جانب دیگر طی این هشت سال برای تجهیز نیروهای مسلح از سلاح های کمکی و یا خریداری شده از کشورهای دیگر استفاده می شود، با وجودی که سلاح های جمع آوری شده از نزد افراد مسلح و یا دیپوهای نظامی دولت به دایاگ سپرده میشود تا نابود شود. در صورتیکه افغانستان دولت و ادارات سه گانه نظامی دارد، چرا باید جمع آوری و نگهداری و بعدا با نابودی این سلاح ها در حدود صلاحیت یک سازمان خارجی باشد که تا اکنون هویت و کارنامه این انجو برای هیچکسی مشخص نیست که اینها کی اند و چه هدف شوم و پلیدی را در قبال کشور ما تعقیب مینمایند.

نبود امنیت و نارضایتی مردم، عمده مسایلیست که دولت کرزی را به شدت آسیب پذیر ساخته، و چهره ی حاکمیت ملی در کشور را تا حدی مخدوش و رو به زوال کرده است. بر اساس گزارش مایک مک نیل مدیر اداره اطلاعات ملی آمریکا، دولت به رهبری کرزی تنها چیزی نزدیک به سه حصه از خاک افغانستان را در دست دارد. متأسفانه ولایات وردگ و لوگر در چند کیلومتری کابل پس از ساعت چهار عصر تا صبح، از کنترل نیروهای امنیتی خارج می شوند و این وضعیت به گونه یست که مخالفین می توانند پس از ساعت چهار در این ولایات که در نزدیکی پایتخت قرار دارند بروی جاده ها ریخته، کاروان ها را بازرسی نموده، و قدرت نمایی کنند.

به وخامت گرائیدن وضعیت امنیتی و نگرانی های ازین ناحیه که مخالفین ساحه ی نفوذ خود را در افغانستان روز تا روز افزایش می دهند. سفیر ایالات متحده آمریکا در کابل می گوید، که وضعیت امنیت فردی بدتر شده است... این اوضاع مردم را به شدت نگران امنیت جان شان کرده است. این مشکلیست که بیشتر ریشه در فساد در دستگاه پولیس دارد. بر علاوه، فساد در دستگاه دولتی و ضعف اداره در سطح محلی نیز، می توانند این مساله را تقویت کنند.

(روزنامهء دیلی تلگراف در یکی از شمارهء اخیر خود گزارشی را زیر عنوان «از هر صد سرباز اردوی ملی افغانستان پانزده تن آن به مواد مخدر معتاد می باشند» به چاپ رسانیده است. در این گزارش در راه افزایش نیروهای امنیتی، روی برخی از مشکلات از جمله بیسوادی و فرار از خدمت، اشاره شده است. روزنامه دیلی تلگراف در این گزارش می نویسد: برنامه های تقویت اردو و پولیس ملی افغانستان از سوی دیپلومات های غربی و کارشناسان نظامی به دیده شک نگریسته شده است.)

بلی! متأسفانه نه نیروهای بیگانه مستقر در افغانستان، نه مقامات دولتی و نظامی و نه افراد که در ائتلاف با دولت قدرت نمایی مینمایند و هزاران میل سلاح خفیف و ثقیل در دسترس دارند، علاقه و تمایلی به نیرومندی نیروهای مسلح ندارند و هر کدام به نوبه خود تلاش دارند تا از استقلالیت و خودکفایی این نیروها به شکلی از اشکال جلوگیری نمایند.

طی این مدت فرار از خدمت عسکری، و کم تجربگی نیروها در مدیریت جنگهای فرسایشی، بی اعتمادی و خود سری نظامیان آمریکا و ناتو و عدم مشارکت نیروهای محلی در عملیاتها، گسترش حوزه فعالیت طالبان و پیشرفت در تاکتیکهای نظامی آنها، استراتژی جنگ چریکی و خستگی روانی نیروها، همگی مانع از عملکرد موثر اردوی ملی در به دست گیری و کنترل اوضاع شده است. بی کفایتی اردو، پولیس و نیروهای امنیت ملی در اوضاع نابسامان کنونی، گسترش روزافزون فساد و نبود استراتژی نظامی از اعتبار و پرستیژ این نیروها کاسته میشود.

گزارشهای بین المللی هر روز از گسترش فساد و بی مسوولیتی و بی بند و باری اردوی ملی حکایت دارند. با گذشت هشت سال از موجودیت ناتو و پنتاگون در کشور میگذرد و هنوز اوضاع امنیتی به بهبود نیافته و در تامین ثبات و امنیت در وطن کمک موثر ننموده است، بلکه وجود این نیروها و قوتهای اردوی ملی خود یکی از عوامل رشد قابل ملاحظه مخالفین و نارضایتی عمومی شده است. پولیس و نیروهای امنیت ملی نیز به شکل يك نیروی غیر آموزش دیده با میزان بالای فساد، ضعیف و بی کفایت باقی مانده است.

اوضاع درد ناک قوای هوای



خدا و میهن تیم شکست ناپذیری را تشکیل می دهند که همه ی رکورد های سرکوب و خونریزی را می شکند. (لونیس بونول)

مهارت دریانورد در طوفان و شجاعت سرباز در میدان جنگ، ظاهر می گردد، باطن و سیرت مردم را در حین بدبختی و مصیبت آنها، می توان شناخت. (دانیال)

وقتی یا در رکاب اسب می نهی بر بال تاریخ سوار شده ای شمشیر و عمل تو ماندگار می شود چون هزاران فرزند به دنیا نیامده این سرزمین آزادی شان را از بازوان و اندیشه ما می خواهند. پس با عمل خود می آموزانیم که پدران شان نسبت به آینده آنان بی تفاوت نبوده اند. آنان خواهند آموخت آزادی شان را به هیچ قیمت و بهایی نفروشدند. (نادر افشار)

چیزی در درونم مرا وا می دارد رنج خود را با صدای بلند فریاد کنم. من نیک دانسته ام که چه باید کنم. آنچه در درونم هست و هرگز فریبم نمی دهد اکنون به من می گوید: (باید در مقابل تمام دنیا بایستی حتی اگر تنها بمانی. باید چشم در چشم تمام دنیا بدوزی حتی اگر دنیا با چشمان خون گرفته به تو بنگرد. ترس به

دل راه نده. به سخن آن موجود کوچکی که در قلعت خانه دارد اطمینان کن که می گوید: دوستان همسر و همه چیز و همه کس را رها کن و فقط به آنچه برایش زیسته ای و به خاطرش باید بمیری شهادت بده. (گاندی)

نیرومندی مطمئن ترین نشانه غرور ملی یک ملت است. هیچ ملتی نمیتواند مدعی آن باشد که شئون زندگی سالم و مناسبی دارد مگر آنکه از نیرومندی برخوردار باشند. نیرومندی و غرور ملی زمانی لذت بخش و غرور آفرین است که آزادی، استقلال و تمامیت ارضی از تعرض و تجاوز مصون بوده و نیروی مطمئن پاسدار استقلال و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی داشته باشد. و هیچ قدرت بدون مشوره و هم آهنگی نتواند به حریم کشورها داخل و خارج شوند.

هشت سال میشود که قدرتهای بیگانه حسب لزوم دید خویش به کشور ما میابند و میروند و مرجع نیز وجود ندارد تا جلوه همچوتخلفات و تجاوزات را بگیرند. زمانی مامیتوانیم که این حق قانونی و ملی خویش را پاسداری و حراست نمایم که نیروی پرتوان نظامی و بخصوص قوای هوای نیرومند داشته باشیم. نیروی هوایی یکی از سه شاخه اصلی اردوی ملی می باشد. نیروی هوایی کشور در سال ۱۹۲۴ میلادی (۱۳۰۳ خورشیدی) و در زمان سلطنت شاه امان الله تاسیس شد. این نیرو تا پیش از سقوط دولت داکتر نجیب الله یکی از پر قدرت ترین نیروهای هوای در منطقه بود که با داشتن جنگنده های سوومیگ لرزه بر اندام دشمنان خارجی اش می انداخت. در آن مقطع تاریخی افغانستان حدود سه صد تاسه صدوپنجاه بال جنگنده های بمباردمان و شکاری، یکصدتایکصدوپنجاه بال هلیکوپترهای محاربوی و ترانسپورتی و ده ها بال طیاره های ترانسپورتی نظامی داشت.

در زمان حاکمیت (ببرک کارمل و داکتر نجیب الله)، افغانستان دارای توانمندی نظامی قابل ملاحظه بود، هزاران تانک و قوای زرهی، قوای هوایی مجهز دارای صدها طیاره جنگی و هلی کویترهای زره دار و افسران با تجربه و تحصیل کرده وجود داشت، کشور را به یکی از قدرت های نظامی بی رقیب در منطقه تبدیل کرده بود، فروریزی حاکمیت داکتر نجیب الله در سال ۱۹۹۲ میلادی و استقرار تنظیم های جهادی، کشور را وارد یک دوره سیاه و خشونت کرد که نه تنها قوای مسلح از هم پاشید، بلکه سیستم و اداره، نظم و قانون متلاشی گردید و تمام نهادهای اداری، امنیتی و نظامی مورد چوروچپاول قرار گرفت و عملاً افغانستان خانه بیگانه و به میدان تاخت و تاز اجنبی و اجنبی پرستان مبدل گردید.

در زمان جنگ ها و حاکمیت تنظیمی هواپیماهای نظامی را هر کدام فراخور قدرت خود تصاحب کردند، شماری از این هواپیماها در جنگها سقوط، تعدادی به کشورهای خارجی انتقال و باقی به وزن المونیم بعد از آره کشی و تخریب وسیله مجاهدین سربکف بفروش رسیدند. شاید در دنیا، افغانستان تنها کشوری باشد که فاقد نیروی هوایی است.

حتی اردوی کوچک سی - چهل هزار نفری نیز دارای ابزارهای جنگی مدرن و سلاحهای ثقیله و تجهیزات مورد نیاز یک اردوی معمولی هم نیست. دولت و ارگانهای قوای مسلح که هنوز نیروهای مسلح خود کفاندانند و قوای هوایی کاملاً فلج شده و تنشهای قومی موجود هرگونه طرحی را جهت تقویت نیروهای مسلح را باچالش جدی مواجه میکند، وقت آن است تا مقامات بلند پایه دولتی و مسوولین نظامی باتمام توان و انرژی لب به اعتراض گشوده و فکری برای تقویت این نیروها نمایند در غیر این صورت در آینده بار دیگر وسیله همسایگان ناسالم و کینه توز و تنشنگان زروزور که هزاران قبضه اسلحه خفیف و ثقیل در دست دارند و برای یک تار و مار نمودن مجدد نیروهای مسلح و چپاول و تاراج دولت و دارایی عامه لحظه شماری دارند، لگدمال خواهد شد و آن وقت هر اعتراضی بی پاسخ خواهد ماند.

طی این هشت سال پنتاگون فقط قرار دادی را با نیروی هوایی ایالات متحده به امضا رسانده تا هجده فروند طیاره مدل C27 را بازسازی و اصلاح کند. و اگر مایل شدند بدسترس افغانستان بگذارند. C27 از مدل اصلاح شده طیاره های باربری G 222 ساخت ایتالیا است. نیروی هوایی ایالات متحده قصد دارد

پس از آماده شدن این هجده فروند آنها را در اختیار نیروی هوایی افغانستان قرار دهد. کار تحویل این هواپیماها از سال ۲۰۰۹ آغاز و تا سال دوهزارویازده ادامه خواهد داشت. این برنامه شامل تحویل هجده فروند هواپیمای آماده انجام وظیفه و همچنین تجهیز و تبدیل دو فروند از آن به حمل و نقل فوق العاده که رئیس جمهور از آن غرض سفرهایش استفاده خواهد کرد.



قوای هوای افغانستان را با این هجده بال طیاره ترانسپورتهای خلاصه میکنند. و تاکنون متاسفانه از تهیه و تجهیز قوای هوای به طیاره های بمباردوشکاری، هلیکوپترهای محاربوی و ترانسپورتهای و قوای راکتی (دفاعه هوا) سخنی به میان نکشیده اند. اکثر کارشناسان نظامی باور دارند که در سال ۲۰۰۱ و قبل از لشکر کشی پنتاگون و ناتو به افغانستان، ایالات متحده آمریکا و انگلیس (بصورت مشخص تونی بلر نخست وزیر قبلی انگلیس) به پاکستان اطمینان داده اند که هیچ زمانی افغانستان را از لحاظ نظامی خودکفا و نیرومند نمی سازند که باعث درد سر پاکستان شود. بر همین اساس طوریکه طی این هشت سال ثابت شده که تروریسم و بنیادگرایی در پاکستان سنگر گرفته اند و در عملیتهای محاربوی و بمباردمان هوایی مردم بی گناه و بی دفاع افغانستان قتل عام میشوند.

نقش همسایگان در بی ثباتی کشور و تضعیف قوای مسلح



مداخلات و دست اندازی پاکستان در افغانستان



من افتخار انحلال قوای مسلح صدساله افغانستان و به تراج رفتن هست بود و دار و ندار این کشور را دارم، من بودم که افغانستان را به نابودی کشاندم و امروز این کشور عملاً فاقد حاکمیت دولتی و نیروی دفاعی اند. از سخنان محرمانه نواز شریف نخست وزیر سابق در پارلمان آنکشور.

به هر حدودی که افغانستان نا امن گردد و نابسامانی و آشوب حکمفرما باشد، منافع ملی پاکستان بیشتر تأمین خواهد شد. در صورت برقراری صلح و ثبات و بهبود یافتن اوضاع سیاسی و نظامی افغانستان، مشکلات عمده ی تمامیت ارضی پاکستان را با چالش و تهدید مواجه خواهد کرد، اکثریت مطلق مردم افغانستان مدعی هستند که سرزمین افغانستان باید تا نزدیکی اسلام‌آباد توسعه پیدا کند و در واقع بخش مهمی از سرزمین پاکستان، جزء خاک ما است و باید به افغانستان برگردانده شود.

تحقق این خواسته مشروع، در واقع به معنای محو شدن پاکستان از نقشه جغرافیایی است، زیرا پاکستان کشوری متشکل از اقوام مختلف می‌باشد که مطرح شدن ادعای استقلال و یا جدایی‌طلبی از سوی آنها، منابع حیاتی این کشور را با تهدید جدی مواجه می‌سازد. لذا پاکستان از تمام امکانات خود در جهت بی‌ثبات‌سازی و ایجاد ناامنی و اغتشاش در کشور ما بهره‌برداری می‌کند. طوریکه دیده میشود دو کشور، انگلیس و عربستان سعودی، با پاکستان دارای جهت‌گیری و دیدگاه مشترک اند.

از زمانیکه افغانستان به سمت تشدید ناامنی پیش رفته است و به همان نسبت، ریاض، لندن، اسلام‌آباد رقص و پایکوبی مینمایند. سرویس اطلاعاتی پاکستان با حمایت کشورهای فوق الذکر، از جریان بی‌ثبات‌سازی در افغانستان حمایت کرده اند.

پاکستان با اتخاذ سیاست دو گانه در خصوص طالبان، شرایط مساعدی برای فعالیت گروه‌های تروریستی در منطقه فراهم کرده است. گذشته حمایت پاکستان از تروریستان به زمان حکومت طالبان باز میگردد. پاکستان، عربستان و امارات متحده عربی تنها سه کشوری بودند که حکومت طالبان را به رسمیت شناختند. با سقوط طالبان بار دیگر پاکستان به مامن نیروهای طالبان تبدیل شد.

در سالهای اخیر پاکستان همواره از سوی آمریکا و افغانستان به حمایت و پشتیبانی از طالبان متهم شده است. از نگاه واشنگتن و کابل، پاکستان در راه مبارزه با طالبان و القاعده، همکاری لازم را ندارد. به اعتقاد برخی کارشناسان، حمایت اسلام‌آباد از طالبان با هدف تقویت و افزایش نفوذ پاکستان در افغانستان صورت می‌گیرد. تاکنون پاکستان چه از لحاظ مادی و چه از نگاه سیاسی با وجود پناه دادن به تروریست‌ها سودی سرشاری رانصیب گردیده است.

به اساس ستراتیژی جدید اوپاما در مورد افغانستان و پاکستان و اعزام بیش از سی هزار نیروی تازه نفس به افغانستان و سرکوب قاطعانه تروریست‌ها (در ظاهر).

تحلیلگران به این نظر اند، چنین موفقیتی بدون کوبیدن پایگاه‌های طالبان و القاعده در آنسوی مرز، در پاکستان که زیر نظر ملا عمر، جلال‌الدین حقانی و گلبدین حکمتیار فعال اند، کم سود خواهد بود. به همین دلیل اوپاما در نامه ی به رهبران پاکستان نوشته که حمایت برخی از حلقه‌ها و عناصر در این کشور

از شورشیان را بیش از این تحمل نمی کند. گوردن براون، نخست وزیر بریتانیا، نیز این سوال را با آصف علی زرداری رئیس جمهور پاکستان مطرح کرده است که چرا در هشت سال گذشته سر نخ و رد پایی از دو رهبر تحت تعقیب القاعده، اسامه بن لادن و ایمان الظواهری به دست نمی آید.

اینهم یک قسمت از مصاحبه اخیری جنرال حمیدگل با الشرق الاوسط...
الشرق الاوسط: آیا شما فکر می کنید که طالبان یک بار دیگر قدرت را در افغانستان به دست خواهند گرفت؟ اگر چنین است، تا چه زمانی این کار ممکن است؟

حمیدگل: من نمی خواهم بگویم که طالبان یک بار دیگر در افغانستان به قدرت خواهند رسید. اما من مطمئن هستم که مردم آزادی دوست افغانستان به زودی قدرت را در این کشور به دست خواهند گرفت.

الشرق الاوسط: چه وقت این اتفاق می افتد؟ چه تقسیم اوقاتی را برای مساله شما پیش بینی می کنید؟
حمیدگل: بیشتر از دو سال طول نمی کشد. من فکر می کنم که ایالات متحده مجبور است افغانستان را ترک کند.

الشرق الاوسط: تا چه زمانی شما فکر می کنید که امریکایی ها در افغانستان حضور خواهند داشت؟
حمیدگل: اگر امریکایی ها عاقل باشند، آنها باید در ظرف یک سال افغانستان را ترک کنند. اگر آنها عاقل نباشند، پاکستان شاهد یک انقلاب به دلیل حضور امریکایی ها در افغانستان خواهد بود. آنها در افغانستان شکست خواهند خورد و مجبور اند تا در سال ۲۰۱۰ یا ۲۰۱۱ افغانستان را ترک کنند.

ریدل کارمند انستیتوت بروکلین میگوید: واشنگتن جنگ افغانستان را می بازد و باید در آینده نزدیک تصمیمی دشوار در رابطه با افزایش تعداد نظامیان در افغانستان بگیرد. سالانه هرسرباز امریکایی در این کشور برای آمریکا یک میلیون دالر مصرف دارد و بدین ترتیب نیروهای شصت هزار نفری شصت میلیارد دالر در سال هزینه بر می دارند.

مشکل دیگر پاکستان که از سلاح هسته ای و تعداد بی سابقه ای تروریست در هرکیلومتر مربع برخوردار است و برای او باما به ارث رسیده است نیز امروز بسیار حاد است.

در عین حال، وی گزینه جنگ کوچک و پیروزی آور با جهاد در این منطقه را کابوس شبانه نامید. وی توضیح داد که پاکستان سنی، می تواند به بزرگترین اسپانسر مالی تروریسم جهانی تبدیل شود که به حماس بیش از ایران شیعه پول خواهد داد. بیشتر مردم، تعداد زیادی از نظامیان و مامورین پولیس پاکستان، تا اندازه زیادی با تندروها همدردی می کنند.

حال تصور کنید- پاکستان با یکصد و هفتاد میلیون نفوس، با اقتصادی نسبتاً قوی، اردوی ششصد هزار نفری و سلاح هسته ای. در منطقه قبیله نشین پاکستان، جایی که طالبان حکومت دارد، هزاران جنگجو مستقر شده اند که از چچن، داغستان، ازبکستان و تاجیکستان گریخته اند. چه بلای رابرسر منطقه نازل خواهد کرد. مایک مولن لوی درستیز قوای آمریکا مدعی شد که سازمان اطلاعات اردوی پاکستان حامی اقدامات خرابکارانه تروریست ها در هند و افغانستان است.

این سازمان روابط غیرمعمول و پیچیده ای با طالبان دارد. لوی درستیز آمریکا همچنین از سازمان اطلاعات اردوی پاکستان خواست در سیاست های خود تجدید نظر کند. در سال های اخیر اتهام ارتباط دستگاه اطلاعاتی اردوی پاکستان با برخی گروه های افراطی از جمله طالبان بارها از سوی مسئولان آمریکا و همچنین مقامات افغانی و هندی مطرح شده است.

همچنان شماری از اعضای کانگرس در باره اقدامات او باما بدلیل ریشه کن سازی تروریست از مناطق سرحدی میان افغانستان و پاکستان ابراز شک و تردید کردند. آنان می پرسند که اداره او باما چه اقداماتی راعلیه طالبان و القاعده در مناطق سرحدی میان افغانستان و پاکستان کرده است؟ همزمان یک عضو حزب جمهوری خواهان در کانگرس آمریکا میگوید که طالبان و القاعده در مناطق سرحدی میان افغانستان و پاکستان پناهگاه دارند، بنا بجای اینکه در مورد فرستادن سربازان بیشتر به افغانستان فکر شود، باید درباره آن فکر کنیم که چگونه تروریست را در این منطقه از بین ببریم. احمد رشید خبرنگار

پاکستانی در مصاحبه با سایت انترنتی مادرید که از طریق رادیو آزادی به نشر رسید، در مورد صحبت با طالبان و در رابطه به نقش پاکستان در بحران افغانستان چنین اظهار داشته است. رشید به جوابی سوالی میگوید... مذاکرات قابل پذیرش نیست و ادارات استخباراتی کشورهای مختلف مانند پاکستان، افغانستان و کشورهای غرب تلاش کنند تا طالبان را تجزیه نمایند در طالبان یک چنین رهبری را روی کار نمایند که با آنها گفتگو امکان پذیر باشد، این رهبری باید دولت افغانستان، حاکمیت و ساختار سیاسی فعلی آنرا به رسمیت بشناسد.

مشکل در این جا است که غرب وظیفه تجزیه طالبان را به اداره استخبارات پاکستان سپرده است که در نتیجه آنها بیشتر تقویت شده اند به طالبان در پاکستان پناه داده و برای انجام عملیات پایگاه داده شده است، این یک مشکل بزرگ است. حال شما طالبان را چگونه تجزیه کرده میتوانید، شما باید برای آنها ثابت بسازید که نمیتوانند موفقیت نظامی بدست آورند، اما در عین حال شما باید بتوانید که با آنده افراد و عناصر طالبان گفتگو نمائید که حاضر هستند حکومت فعلی افغانستان را بپذیرند... نخست پاکستان آنده رهبران طالبان را دستگیر کند که در حال حاضر در شهر کوپته زندگی میکند... مردم محل میدانند که آنها در کجا زندگی میکنند به نظر من این رهبران باید دستگیر شوند، نیازی به آن نیست که آنها به امریکا سپرده شوند، اما یقیناً این عمل واضح خواهد ساخت که در سیاست پاکستان تغییری به میان است و دیگر از افراط گرایان حمایت نمیکند، هرگاه این واقع شود شما خواهید دید که در صفوف طالبان تغییرات عمده به میان خواهد آمد، طالبان نیز میدانند که بدون حمایت پاکستان زنده باقی نخواهند ماند، پس در آن صورت آنان برای مذاکرات غور خواهند کرد.

رویکرد ایران به تحولات افغانستان



سید طیب جواد سفیر افغانستان در آمریکا به مزاح می گوید: ما این همسایه ها را انتخاب نکرده ایم. اودر سخنرانی در میان جمع تحلیلگران، اندیشمندان و روزنامه نگاران درباره نفوذ فعلی ایران در افغانستان خاطر نشان می کند: ایران به قدرت به مراتب خشن تری تبدیل شده است. افغانستان در یک منطقه بد آب و هوا قرار دارد. این کشور برای برقراری امنیت خود به آمریکا و نیروهای ناتو وابسته است و در عین حال دارای طولانی ترین مرزهای مشترک بعد از پاکستان با ایران است. مدت هاست که افغانستان از ایران و آمریکا درخواست کرده است رقابت های دیرینه استراتژیک خود را در داخل خاک افغانستان پیاده نکنند. چند سالی به این درخواست کاملاً بها داده شد. با این وجود، در طول شش ماه گذشته، اقدامات ایران شکل تهاجمی تری به خود گرفته است. آمریکا و نیروهای نظامی ناتو محموله های سلاح های ساخت ایران از جمله خمپاره و مواد منفجره یلاستیکی را که برای انهدام خودروهای نظامی در عراق استفاده می شوند، در افغانستان رهگیری کرده اند.

گزارش های حاکی از کمک های نظامی به طالبان از ایران خبر می دهد. رابرت گیتس وزیر دفاع آمریکا میگوید- آن مقداری که ما شاهد آن هستیم بیشتر از آن است که باور کنیم این موضوع در حد قاچاق باشد و یا چیزی مرتبط با تجارت مواد مخدر و یا چیزی که بدون اطلاع دولت ایران در حال رخ دادن است.

مقامات آمریکایی می گویند که سلاح های ساخت ایران، که در افغانستان یافت شده اند و طی ماه های گذشته، مورد استفاده مخالفین قرار گرفته اند، ایرانی هستند.

امریکایی ها نگران هستند، زیرا نیروهای طالبان به صورت فزاینده ای از سلاح های پیشرفته و حملات انتحاری که در میان جنگجویان عراقی متداول است استفاده می کنند. ایران همچنین متهم شده است به پناه دادن مخالفین دولت و نقض فضای هوایی افغانستان. چندی قبل بعضی رسانه های خبری کشور ادعا کرده اند که گروه جدید لشکر محمدرسول الله که اعضای آن مهاجرین افغان مقیم ایران اند، از سوی سپاه پاسداران ایران شکل گرفته و در ولایات غربی بر ضد دولت افغانستان و نیروهای خارجی فعالیت میکنند. این منابع، ساحه فعالیت لشکر یاد شده را ولایات فراه، نیمروز، هلمند و ارزگان ذکر نموده اند. سخنگوی وزارت امور خارجه افغانستان در رابطه به این ادعا ها مختصراً گفت: ما این اطلاعات را با نگرانی و جدیت مطالعه میکنیم اما در عین زمان، دولت اسلامی افغانستان خواهان ادامه روابط دوستانه با جمهوری اسلامی ایران است.

ستانکزی والی اسبق فراه مدعی بود که مداخله ایران در امور افغانستان، نسبت به مداخله پاکستان خطرناکتر است. ایران مخالفین دولت افغانستان را در منطقه ای بنام شمس آباد در داخل ایران آموزش میدهد و سپس آنها را برای انجام اعمال تخریبی به داخل کشور اعزام مینماید. موصوف گفته بود: همه به شمول جامعه جهانی از مداخله پاکستان در امور افغانستان مطلع هستند و چگونگی این مداخله تقریباً برای همه مشخص است، اما ایران علاوه بر آموزش مخالفین دولت- از لحاظ فرهنگی نیز تلاش دارد که هویت ملی ما را از بین ببرند.

ایران به دنبال تداوم بحران در افغانستان می باشد، ایران تنها در صورتی می تواند به عنوان یک قدرت بلا منازع در منطقه ظهور نماید که همسایه های ضعیف داشته باشد. وجود رقابت های منطقه ی و فرامنطقه ی به منظور حضور و تاثیرگذاری بر صحنه سیاسی و نظامی کشور، کشورهای مختلف از جمله آمریکا و کشورهای عضو ناتو، در افغانستان حضور دارند.

این امر عرصه داخلی کشور را بسیار رقابت آمیز ساخته است و شرایط را برای مداخله و نقش آفرینی ایران مساعد میگرداند.

چندی قبل نورالحق علومی رئیس کمیسیون امور دفاع و تمامیت ارضی پارلمان در مصاحبه ی گفتند: من به صراحت میتوانم بگویم که فعلاً افراد غیر افغان در اداره پولیس، اردو و امنیت ملی و حتی در پارلمان و ارگان های مهم دولتی حضور دارند. وی افزود اصلاً در کشوری که مرزهای مشخص و کنترل شده ای ندارد و هویت نیمی از مردم اش کاملاً مشخص نیست امکان هرگونه مداخله ممکن میباشد...

همچنان میر احمد جوینده معاون کمیسیون روابط بین المللی پارلمان در مصاحبه با تلویزیون سیمای باختر، به تایید سخنان علومی گفت: هیچ تردیدی در حضور نیروهای غیر افغان در پولیس، اردوی ملی و سایر ارگان های دولتی وجود ندارد.

در کشوری و در چنین شرایط بحرانی که مرزهایش باز و نیمی از مردم اش فاقد شناسنامه یا تذکره نفوس میباشند و قانون در کشور به مرحله اجرا گذاشته نشده و امکان آن موجود است، که بیگانگان در اکثر تصمیم گیری های داخلی و خارجی کشور رخنه کرده باشند.

خانم شکیبا هاشمی نماینده مردم قندهار نیز در مقابل همین سوال واضح از حضور نیروهای غیر افغان در پولیس و اردوی ملی سخن گفت و افزود این موضوع را به وزارت دفاع اطلاع داده، ولی جوابی دریافت نکرده است.

تحلیل گران نظامی میگویند -اگر پولیس و اردوی ملی چند برابر شود و نیروهای جامعه جهانی نیز بیشتر گردد تا پاک سازی افغان از غیر افغان در ادارات استخباراتی، پولیس و اردوی ملی و سایر نهاد های امنیتی صورت نگیرد و اگر مرزهای کشور کنترل نگردد هیچ سودی برای امنیت نخواهد داشت و مداخله همسایگان همچنان در تمام امورات ادامه خواهد داشت. ایران از یک افغانستان بی ثبات سود می برد،

یک افغانستان بی ثبات می تواند یک ابزار قوی فشار علیه آمریکا باشد. ایران روز به روز از حضور نظامیان آمریکایی در مرزهای شرقی خود با افغانستان نگران می شود و همچنین نگران سناریویی است که در آن آمریکا نیروهای خود را در افغانستان و عراق برای یک مدت طولانی حفظ کند و افزایش دهد و از اینکه بین دو دولت طرفدار آمریکا محاصره شود، می ترسد. طی این سالها کشورهای همسایه بخصوص ایران و پاکستان با تفرقه اندازی های زبانی، ملی و مذهبی کشور را پارچه پارچه و به انزوای همزیستی کشانیده اند.

شیوع آفت بزرگی تحت عنوان نژاد پرستی، قوم گرایی و زبانی که ایجاد تفرقه و آشتی ناپذیری و جبهه گیری های سمتی و منطقی ارمغان این پدیده شوم است. اگر درین راستا توجه ی جدی مبذول نگردد و اقدامات مسئولانه ی صورت نگیرد، بیم آن میرود که مردم به عنوان يك ملت واحد باقی نماند. کشورهای خارجی مانند ایران و پاکستان تلاش دارند تا به شکل از اشکال با استفاده از اهرم مناسبی در صدد جلب گروه های حاکم به سمت خود و منافعشان می باشند. کشمکش های برخاسته از اختلافات قومی و نژادی و مذهبی با دخالت دست خارجی تقویت و استمرار می یابد. کشورهای همسایه همین اکنون نیز نقش تخریبی و تفرقه گرایی را بیشتر از گذشته بازی می کند بعید می نماید که حاکمیت با ثبات بر کشور شکل بگیرد. و طبعاً هرگونه صلح و آشتی ملی با وجود علل فوق موقتی و منتهی به شکست خواهد بود. بدون شك دود ناشی از آتش این پدیده شوم علاوه بر مردم ستمدیده کشور به چشم کشورهای همسایه و بویژه پاکستان و ایران خواهد رفت. از اینرو ضرورت دارد که کشورهای فوق الذکر بویژه ایران و پاکستان که بیشترین نقش را در سرنوشت افغانستان دارند. دست همکاری به یکدیگر داده و با اعمال نفوذ بر گروه های سیاسی و تنظیمی، افغانستان را از هرج و مرج و بی ثباتی نجات دهند.

اقتباسها و نقل قولها از منابع خبری.

تاریخ ارسال به «اصالت»: شنبه، ۲۶ دسامبر ۲۰۰۹

توجه!

کاپی و نقل مطالب از «اصالت» صرف با ذکر منبع و نام «اصالت» مجاز است
کلیه ی حقوق بر اساس قوانین کپی رایت محفوظ و متعلق به «اصالت» می باشد

Copyright©2006Esalat

www.esalat.org